ولی اگر او را به دایی هایت می بخشیدی، پاداشِ بیشتری به تو می رسید.

از ام المؤمنین میمونه دختر حارث رضی الله عنها روایت است که ایشان کنیزی را آزاد کرد و در این مورد از رسول الله صلی الله علیه وسلم اجازه نگرفت. روزی که نوبتش بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه اش می رفت، عرض کرد: ای رسول خدا، آیا می دانید که من کنیزم را آزاد کردم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَوَ فَعلْت؟»: «آیا واقعاً چنین کاری کردی؟» پاسخ داد: بله. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَما إِنَّكِ لو أَعْطَيتِهَا أَخوالَكِ كان أَعظَمَ لأجرِكِ»: «ولی اگر او را به دایی هایت می بخشیدی، پاداشِ بیشتری به تو می رسید».

[صحیح است] [متفق علیه]

ام المومنین میمونه رضی الله عنها کنیزش را آزاد می کند چون فضل آزاد کردن کنیز در راه الله را می داند؛ اما این کار را بدون اطلاع رسول الله صلی الله علیه وسلم یا بدون اینکه از ایشان اجازه بگیرد، انجام می دهد؛ روزی که نوبت سرزدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از ایشان است، رسول الله صلی الله علیه وسلم را در جریان کاری که کرده قرار می دهد و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «واقعا چنین کردی؟». ام المومنین می گوید: بله چنین کاری انجام دادم؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را به خاطر کاری که انجام داده و جهت انجام آن جویای نظر رسول الله صلی الله علیه وسلم نشده، نکوهش نمی کند جز اینکه به ایشان می گوید: «اگر او را به دایی هایت می بخشیدی، پاداشِ بیشتری به تو می رسید». یعنی کار نیکی انجام دادی؛ اما اگر آن را به دایی هایت از بنی هلال می بخشیدی، بهتر بود و ثواب و پاداش بیشتری داشت؛ چون در آن صورت هم صدقه به نزدیکان بود و هم صله ی رحم.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3600